

روزنامه مستقل

دنیایک هوادار

www.donyayehavadar.ir

شماره ۱۸۴۲

یکشنبه ۸ تیر ماه ۱۴۰۴

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

در باد می پیچد

در سالروز فاجعه ۸ تیر و بمباران
شیمیایی سردشت؛
... و هنوز بوی خردل



خط و نشان مردم ایران
برای فرعون زمان

روایتی از ایران میان آوار و ایمان؛

خون در رگ‌های انسجام

برای سرباز وطن؛ محمد باقری



مراقبت از سرزمین و مردمش است. جان بازی جوانان را در جبهه فراموش نکرد لذا خون فرزند خود را رنگین تر از جوانان این کشور ندانست و دخترش فاطمه، نیز کار خطیر خبرنگاری را انتخاب کرد. او از جنگ آورترین رزمندگان بود ولی جنگ طلب و ستایشگر جنگ نبود، چون رنج و تلخی جنگ را می فهمید. فقدان محمد باقری درمیان این حوادث، رنج آور و تلخ ترین اتفاق برای وطن است، شاید بنا به دلایلی در افکار عمومی شناخته شده نباشد. ولی هر که او را می شناسد، می داند کشور چه گوهر نایاب و سربازی را از دست داده است.

سخن و کلام خود بود.

بعد از جنگ بسیاری به جست و جوی، پول و پست، سیاست برآمدند و فکر می کردند اکنون زمان جبران است، او در جست و جوی اجساد شهدا رفت شاید با پیدا کردن نشانه ای از فرزندان این سرزمین، پایان بخش چشم انتظاری مادران و پدران وطن باشد، شاید هم این حس را داشت که بخشی از وجودش درمیان مفقودالائرها جا مانده و در این جست و جو خود را یافت چون کمتر دانشگاه نظامی و استراتژیکی در دنیا می تواند چون او پرورش دهد. سیاست وسوسه اش نکرد، اقتصاد فریبش نداد، افلاطون وار دریافته بود که تنها کار یک فرمانده

رحیم خستو

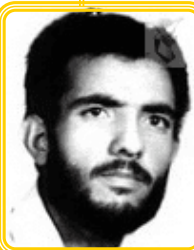
هیچ پیشوند و عنوانی قبل از اسمش (سردار، دکتر و...) چیزی بر او نمی افزود، چون محمد باقری بودن را بالاترین اعتبار می دانست.

محمد باقری بودن خود بالاترین اعتبار بود و او را از مردمش، جدا نمی کرد، او خبرنگار بود و رسانه را می شناخت، لذا چهره رسانه ای نشد و شهوت سخن گفتن و دیده شدن نداشت، عنان خود را با دیدن تریبون و میکروفون از دست نمی داد و در هر کوی و برزنی اسرار نظامی کشور را جار نمی زد و پاسدار



پویش سراسری «ایستاده برای ایران» آغاز شد

پویش فراگیر «ایستاده برای ایران» با تکیه بر پیشینه ملت ایران در مقاومت و ایستادگی برابر تهدیدات و جنگ‌های تحمیلی، با هدف تقویت روحیه ملی آغاز شد. این پویش قصد دارد با پیوند گذشته پرافتخار با آینده‌ای روشن، مسیری امیدبخش برای ملت ایران در مواجهه با تهدیدات و بحران‌های کنونی ترسیم کند. از جمله مهم‌ترین اهداف این پویش می‌توان به آشنا کردن مردم به‌ویژه نسل جوان با تاریخ مقاومت ایران، تقویت روحیه ایثار، همدلی و حماسه، حمایت روانی از خانواده‌ها و کودکان در شرایط بحرانی و حفظ هویت ملی در برابر تهدیدات خارجی اشاره کرد. بر همین اساس و در راستای اجرای پویش ملی «ایستاده برای ایران»، کتابخانه‌های عمومی کشور مجموعه‌ای از رویدادهای فرهنگی، ادبی و هنری را نیز اجرا می‌کنند.



یاد و خاطره شهید،
به ویژه «شهید
فرمانعلی قربانی»
که ۲۱ آبان ۶۱ به مقام
شامخ شهادت نائل
گشت، گرامی باد

۲

رویداد

دنیایک سوادار

یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۲

حرف اول



جهانی، این انکار هم‌دستان صدام، خود جنایتی دیگر است؛ جنایتی علیه حقیقت. سردشت نه فقط یادآور مظلومیت، بلکه هشدار دهنده ضرورت بیداری است. وقتی امروز جهان در برابر نسل‌کشی کودکان در غزه سکوت می‌کند، وقتی حقوق بشر تبدیل به ابزار تحریم و فشار بر ملت‌های مستقل شده، باید سردشت را از نو خواند. سردشت، آینه‌ای است از چهره واقعی نظام سلطه، از چهره دروغین آزادی‌خواهان غربی.

ایران، نه قربانی ابدی است، نه ملتی فراموشکار. ما حافظه داریم. ما نام سردشت را در قلب‌مان حک کرده‌ایم. ما فریاد آن مرد کردی را که در خاک و خون، نام فرزندش را صدا می‌زد، به یاد داریم. و تا روزی که جهان را از سلاح‌های شیمیایی، از سیاست‌های کثیف و از جنایت‌های بدون مجازات پاک نکنیم، آرام نخواهیم گرفت. این چند خط، فراتر از سوگنامه؛ ایده‌هایی بود برای دعوت به شرافت. دعوتی به جهانیان که اگر هنوز ذره‌ای وجدان باقی مانده، در برابر سردشت سر فرود آورند و از تاریخ عذر بخواهند. چراکه سردشت، نه خاکستر شد، نه خاموش. سردشت، فانوس افشاگر یک نظم جنایت‌زاست.

... و هنوز بوی خردل در باد می‌پیچد

شد. سازمان‌های بین‌المللی که باید پاسدار صلح باشند، در برابر دلارهای نفتی عراق کور و کر شدند. کشورهای اروپایی و آمریکایی که خود، سازندگان و تأمین‌کنندگان همین سلاح‌های شیمیایی بودند، نه‌تنها به صدام اعتراض نکردند، بلکه حتی پس از اقصای جنایت، در مقابل محکومیت آن سنگ‌اندازی کردند. همین غرب متمدن، که امروز ژست حقوق بشر می‌گیرد، همان روزها با سکوتی آلوده به نفت، دست‌های خون‌آلود خود را در پشت پرده جنایت سردشت پنهان کرد.

صدام، این دیکتاتور چرک‌چهره دست‌نشانده، بمب‌ها را انداخت، اما صدای انفجارش هنوز در گوش تاریخ می‌پیچد. صدایی که می‌گوید قربانیان سردشت، اگرچه سوختند، اما نامشان زنده است. هنوز، چشم‌های سوخته‌ی مادری که کودکش را در آغوش گرفته بود، پرسش بی‌پاسخی را از جهان دارد: آیا عدالت فقط برای قدرتمندان است؟ آیا انسان‌بودن ما، کمتر از دیگران شمرده می‌شود؟ اما سردشت، تنها قربانی نیست؛ نماد است. نماد مقاومت، نماد حافظه زخمی اما سرفراز ایران. کسانی که آن روز سوختند، فریادشان هنوز از گلو نسل امروز بیرون می‌آید. همان جوانانی که در کوچه‌پس‌کوچه‌های تهران، تبریز، اهواز و زاهدان، با سینه‌های سپر کرده، در برابر دشمنی‌ها ایستاده‌اند. آن‌ها فرزندان سردشت‌اند؛ و سردشت، زنده است.

باید این جنایت را نه با سکوت که با فریاد به خاطر آورد. باید آنقدر گفت و نوشت تا تاریخ دوباره نتواند این لکه ننگ را پنهان کند. این سکوت وقیح مجامع

مهدی تیموری

در حافظه خونین سرزمین ما، شهرهایی هستند که جغرافیای آن‌ها تنها با مختصات نقشه تعریف نمی‌شود، بلکه با زخم، با درد، و با ایستادگی معنا می‌گیرند. یکی از این شهرها «سردشت» است؛ شهری که در ۷ تیر ۱۳۶۶، به نخستین قربانی غیرنظامی جنگ‌افزارهای شیمیایی در جهان پس از هیروشیما بدل شد. این نه فقط یک فاجعه انسانی، که یک سند ننگین از بی‌عدالتی جهانی بود؛ جنایتی که با سکوت شرم‌آور قدرت‌های جهانی، خاک ایران را به گورستان کودکان بی‌پناه، زنان بی‌دفاع و پیرمردانی بدل کرد که گناه‌شان فقط زیستن در مرزهای غرور ایران بود.

در آن روز شوم، نیروی هوایی صدام حسین با بمب‌های شیمیایی مناطق شلوغ شهر را آماج حمله قرار داد. ۱۱۰ تن از مردم بی‌دفاع، بی‌آنکه حتی فرصت ناله‌ای داشته باشند، در لحظاتی جان باختند و بیش از ۸۰۰۰ نفر دیگر در تماس با گازهای مرگبار، گرفتار کابوس‌هایی شدند که هنوز هم پایان نگرفته‌اند. سرفه‌هایی که بند نمی‌آیند، چشمانی که هنوز می‌سوزند، پوست‌هایی که تا امروز از درد فریاد می‌زنند، و خاطراتی که از حافظه زخم‌خورده این ملت پاک نمی‌شود. احتمالا بخش بسیار کوچکی از این فاجعه را در فیلم «درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان دیده‌اید؛ اما این تنها جنایت صدام نبود. این فقط بمب نبود که سقوط کرد؛ انسانیت سقوط کرد. حقوق بشر دفن

داستان جلد

روایتی از ایران میان آوار و ایمان؛

خون در رگ‌های انسجام

مهرداد تیموری

تهران بار دیگر صحنه وداع با قاصدک‌هایی بود که نه در میدان جنگ، که در بستر خواب، آماج شبیخون دشمن شدند. شصت شهید گلگون‌کفن، از فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای گرفته تا کودکان و زنان بی‌گناه، زیر پرچم وحدت ملی و خروش مردمی بی‌امان، از میدان انقلاب تا میدان آزادی تشییع شدند. آنچه رخ داد نه فقط یک مراسم، که نماد تازه‌ای از همبستگی ملی و بازگشت حماسه به متن شهر بود. ما با شهادی بی‌پلاک روبه‌رو بودیم؛ بی‌پلاس رزم، بی‌کوله، بی‌پیشانی‌بند. نه در عملیات که در خانه‌هایشان، زیر آوار بام‌هایی آشنا و امن، به خاک و خون کشیده شدند. جنایتی به وسعت قساوت و بزدلی دشمنانی که دیگر در میدان مقابله تاب مقاومت ندارند و به نامردی و تجاوز پناه برده‌اند.

در قاب این بدرقه عظیم، چیزی فراتر از سوگ دیده می‌شد: اراده‌ای یکپارچه، ایمان خلل‌ناپذیر، و عزم دوباره برای دفاع از حقیقت. جمعیت، پیر و جوان، جانباز و مادر شهید، زن و کودک، همگی فریاد می‌زدند: «مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا»؛ شعاری که اگرچه تکراری به‌نظر می‌رسد، اما از درون زخمی‌ترین دل‌ها برمی‌خیزد. این خشم، حاصل دردی است که از بامداد خونین و سکوت بمباران‌ها برخاسته، نه از شعارهای رسمی.

حضور جانبازان جنگ، آثانی که استخوان‌هایشان سند پایداری است، معنای تازه‌ای به این مراسم بخشید. جانبازی که می‌گوید: «شهید» برگزیدگان خدایند و شهادت، مدالی الهی است»، نه صرفاً یک جمله، که زبان گویای نسلی است که هنوز به مفاهیم ایثار، شرف و رهایی از ظلم باور دارد.

در میانه این حماسه، پنهان نمی‌ماند که این شهادت‌ها، نتیجه تبانی وطن‌فروشان با دشمن است. وقتی پشت خاکریزهای ایمان، رخنه‌هایی با اسم «منافق» و «خودفروخته» پدید می‌آید، دشمن هم برای کشتن کودکی در خواب، جسارت می‌یابد. اما مردم امروز بار دیگر نشان دادند که می‌توان این شکاف‌ها را با حضور پررنگ و غیرتمندانه‌شان پر کرد.

حمله موشکی بامداد بهاری، چنان شبیخونی بود که نه فقط تن‌ها را، که زمان را شکافت. انگار تاریخ دوباره برگشته تا ما را در معرض انتخابی تاریخی بگذارد: یا تسلیم شویم، یا بایستیم. ایران ایستاده است؛ ایستاده در میدان، ایستاده در خیابان، ایستاده بر ویرانه‌های خانه‌هایی که این بار خود به قبه شهادت تبدیل شده‌اند. در پایان، این وداع، نه پایان راه که آغاز راهی دیگر است. راهی که با قاصدک‌هایی آغاز می‌شود که پیام آورده‌اند: هنوز قلب ایران می‌تپد، هنوز شهید، چراغ‌اند.



«رای‌الیوم» بررسی کرد؛ آیا اردوغان خطری برای رژیم صهیونیستی است؟

داد و نوشت: سؤال این است با توجه به هشدارهای برخی مسئولان ترکیه در این باره که پس از ایران نوبت ترکیه است؛ آیا این کشور می‌تواند وارد جنگ مستقیم با اسرائیل شود و امکان پیروزی آنکارا در جنگ احتمالی در سایه حمایت حتمی آمریکا از اسرائیل چقدر است؟

در این راستا رسانه «ینی شفق» ترکیه بر این باور است که ترکیه توان پیروزی در هر جنگ احتمالی با اسرائیل حتی در صورت حمایت آمریکا را دارد؛ اما باید شرایط وجود داشته باشد.

به نوشته رای‌الیوم، «اسماعیل قلیچ ارسلان» تحلیلگر ترکیه در مقاله‌ای نوشت: ترکیه آماده جنگ احتمالی و حتمی با اسرائیل است اما چالش واقعی، مواضع جهان اسلام و میزان تحکیم جبهه داخلی است. این تحلیلگر گفت: چرا جهان اسلام از تهران حمایت نکرد، درحالی که ایران به اسرائیل موشک شلیک کرد و طعم وحشت را به صهیونیست‌ها چشاند.

رای‌الیوم نوشت: آیا ترکیه از ایران وضعیت بهتری دارد و از حمایت جهان اسلام برخوردار است، با این تفاوت اندک که قبلاً گلوله‌ای به سمت رژیم اشغالگر شلیک نکرده است؟ جهان عرب و اسلام از پروژه توسعه طلبانه عثمانی که به دنبال احیای آن است، بیم دارد و تجربیات تاریخی پیشین آن‌ها، ترس‌شان را تبیین می‌کند.

وی به کانال ۱۴ تلویزیون رژیم صهیونیستی گفت: ترکیه، ایران بعدی و اردوغان بزرگترین مشکلی است که اسرائیل با آن روبه‌رو است.

این وزیر صهیونیست، اردوغان را متهم به گسترش تفکر اخوانی و آن را بسیار خطرناک توصیف کرد.

رای‌الیوم افزود: مخالفان اردوغان، وی را در حلقه دوستان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌دانند، از این رو ترکیه متحد آمریکا خواهد ماند و این کشور اساساً عضو ناتو است، پس چرا اسرائیل از ارتش ترکیه می‌هراسد؟ آیا موضوع به گرایش‌های اسلام‌گرایانه اردوغان و مواضع ضدصهیونیستی او مربوط است؟

این رسانه ادامه داد: رئیس‌جمهوری ترکیه نمی‌خواهد فقط به تسلیحات روسی و آمریکایی تکیه کند، وی گفته که سامانه اس ۴۰۰ به تنهایی برای رفع نیازهای کشورش در زمینه دفاع هوایی کافی نیست. به نظر می‌رسد که جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل درسی برای اردوغان بوده است. اردوغان از سامانه موسوم به گنبد فولادی سخن گفته است.

رای‌الیوم اضافه کرد: همچنان موضوع تحویل جنگنده‌های اف ۳۵ به ترکیه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و علت تعلل واشنگتن در تحویل آن، بحث برانگیز است.

این رسانه در ادامه از افزایش بودجه دفاعی ترکیه خبر



روزنامه رای‌الیوم به احتمال رویارویی رژیم صهیونیستی و ترکیه پرداخت و آن را مورد واکاوی قرار داد.

رای‌الیوم با طرح این سولات که آیا اردوغان خطری برای اسرائیل و وقوع جنگ ترکیه با تل آویو حتمی است و چرا واشنگتن از تحویل اف ۳۵ به آنکارا هراس دارد، نوشت: بار دیگر «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهوری ترکیه در معرض هجمه شدید اسرائیل و نیت خبیث آن قرار گرفت که پس از ایران نوبت کشورش است.

بر اساس این گزارش، «عمیخای شیکلی» وزیر امور آوارگان رژیم صهیونیستی به شدت به اردوغان حمله کرد و نقش آن در منطقه را مورد انتقاد قرار داد.

ستون‌های اقتدار

یک ملت زنده

کیومرث سبک‌تکین

در روزگار آشوب و بی‌ثباتی منطقه، گاه لازم است از درون خاکستر اندوه، امیدی شعله‌ور شود. و این بار، شعله نه از جنس احساسات خام که از جوشش خون‌هایی است که جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند تا ملتی بیدار بماند. سخنان اخیر حسین یکتا، راوی دفاع مقدس و یکی از چهره‌های فرهنگی-اجتماعی جریان مقاومت، در گلزار شهدای بهشت زهرا نه فقط یادآور مظلومیت‌ها، که گواهی بود بر بازگشت وحدتی که در قلاب روزمرگی‌های سیاسی‌مان کمرنگ شده بود.

یکتا با اشاره به دهه محرم امسال، آن را «متفاوت» و «حماسی» توصیف کرد. توصیفی که بیش از آنکه صرفاً یک تعبیر مذهبی باشد، نوعی تحلیل اجتماعی-سیاسی است. دهه محرم امسال، با شهادت شماری از فرماندهان مقاومت، نخبگان نظامی و علمی کشور و در پی آن، حضور بی‌سابقه مردم در آیین‌های عزاداری، نشانی روشن از همدلی ملی بود. در لحظاتی که خشم عمومی از اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی به نقطه جوش رسیده، این انسجام ملی نه فقط بهانه‌ای برای عزاداری، بلکه بستری برای مقاومت فرهنگی و سیاسی شد.

در میان تحلیل‌ها و روایت‌ها، نکته‌ای اساسی برجسته بود: «خون شهدا، عامل وحدت است». در روزگاری که دوقطبی‌های اجتماعی، شکاف‌های سیاسی و بی‌اعتمادی عمومی می‌تواند زمینه‌ساز واگرایی باشند، تنها یک چیز می‌تواند دل‌ها را به هم پیوند بزند: شهادت. آن‌هم نه به‌عنوان یک رخداد صرف، بلکه به‌مثابه نماد اخلاق، ایثار، و بازتعریف آرمان مشترک. شهادت این روزها دیگر صرفاً مرگ در میدان نبرد نیست؛ بلکه پیام روشنی است برای بیداری.

سخنان یکتا در تمجید از دقت و قدرت موشک‌های ایرانی نیز معنای عمیق‌تری دارد. او نمی‌خواست فقط از دستاورد نظامی سخن بگوید، بلکه از ریشه‌های انسانی و معنوی این دستاوردها حرف زد. اینکه هر پرتاب دقیق، نتیجه دعا و اخلاص است. و این پیوند میان تکنولوژی و معنویت، شاید همان چیزی است که قدرت نظامی ایران را از بسیاری دیگر متمایز می‌کند. شهید تهرانی‌مقدم و نسل دانشمندان ایرانی نه با دستور بلکه با عشق جنگیده‌اند؛ و این عشق است که موشک‌ها را به قلب اهداف می‌نشانند.

اما در دل همه این تحلیل‌ها، مهم‌ترین پیام را شاید بتوان در یک جمله خلاصه کرد: وحدت، تضمین‌کننده امنیت است. امروز وقتی مردم با چغیه، پرچم، و عکس شهید در خیابان‌ها هستند، فقط یک آیین سنتی را اجرا نمی‌کنند؛ بلکه در حال بیعت مجدد با جمهوریت، با استقلال، با «نه» گفتن به دخالت بیگانگان‌اند. حضور دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها در مراسم مذهبی و میدانی مقاومت، خود نشان از آن دارد که پیوند تاریخی ملت با فرهنگ ایثار، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

در جهانی که رسانه‌ها با تحریف، تصویر ایران را تیره نشان می‌دهند، مهم‌ترین ضدحمله نه از موضع نظامی بلکه از عمق جامعه می‌آید. از مردمی که همچنان زنده‌اند، همچنان یاد می‌کنند، همچنان در صحنه‌اند.

حسین یکتا از «خبری در راه» سخن گفت؛ شاید این خبر، چیزی جز بازگشت مردم به میدان نباشد. همان مردمی که وقتی امنیتشان تهدید شود، مثل همیشه - از خرمشهر تا کرج، از اهواز تا تهران - به خیابان می‌آیند، نه برای اعتراض، بلکه برای دفاع. و این بزرگ‌ترین کابوس دشمنان ایران است. در روزگار نبردهای نرم و عملیات‌های روانی، هر قطره خون شهید، یک سند اخلاقی است که بر اقتدار ملی مهر می‌زند. امروز، همان‌طور که یکتا اشاره کرد، جوانان آماده‌اند. اما نه برای جنگ، بلکه برای ساختن. برای تکرار نکردن اشتباه‌ها. برای ایستادن بر شانه‌های شهدا و دیدن افقی که آن‌ها ترسیم کردند؛ و شاید اینگونه باشد که وحدت برگرفته از خون شهدا، نه فقط حافظ یک ملت، که بازسازندهٔ افق آینده آن خواهد شد.

تشییع پیکر مطهر شهید وطن در چهارباغ البرز

پیکر مطهر پاسدار «رمضانعلی چوپدری» که در اثر حملات ددمنشانه اسرائیل به سپاه امام حسن مجتبی (ع) به فیض شهادت نائل شده بود امروز بردوش مردم شهرستان چهارباغ تشییع شد.

در مراسم تشییع مسوول روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز علاوه بر مردم، خبرنگاران همیشه در صحنه نیز حضور داشتند تا این شهید فعال در عرصه مبارزه با جنگ نرم و سخت دشمن را به سمت آرامگاه ابدی بدرقه کنند. فریاد الله اکبر، یا حسین (ع) فریادی که این روزها در جای جای استان البرز از دل‌های با صلابت مردم برخاسته می‌شود در شهرستان چهارباغ نیز طنین انداز شد.



دنیای سوادار

۳ در شهر

یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۲

از «البرز» چه خبر؟

سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز؛

اعلام اسامی شهدای حمله ددمنشانه اسرائیل غاصب به سپاه البرز



مجتبی (ع) استان البرز و درج در رسانه‌های معتبر اعلام خواهد شد. در بیانیه شماره سه سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز آمده است: ضمن عرض تسلیت و تبریک به خانواده‌های معزز این شهدای والا مقام و عموم مردم شریف استان، این جنایت سنگین، غم ملت بزرگ ایران را در مسیر مقاومت، جهاد، عزت و ایستادگی بیش از پیش راسخ خواهد ساخت.

کوهخیل ۱۷. پاسدار رضا اینانلو ۱۸. پاسدار ولی رضا زاده ۱۹. پاسدار مصطفی بیات ۲۰. پاسدار علی جوادی پور ۲۱. پاسدار مرتضی جمالی ۲۲. پاسدار علی اصغر نجاتی مهر ۲۳. پاسدار محمدحسین قربان پور ۲۴. پاسدار سید مصطفی میرغفاری ۲۵. پاسدار علیرضا رحیمی ۲۶. پاسدار جواد کاظمی ۲۷. پاسدار سید محمدحسن سیدی انگوران ۲۸. پاسدار امیر بهاری مهر ۲۹. پاسدار امیر رضا عکسی ۳۰. پاسدار میثم احمدی ۳۱. پاسدار محمد یاسین بسحاق

بسیجیان شهید: ۳۲. بسیجی غلامرضا سوری ۳۳. بسیجی محمد فرامزری شهید رسانه ۳۴. شهید فاطمه صالحی سراناز شهید ۳۵. پاسدار وظیفه سید سالار موسوی نژاد ۳۶. سرناز جواد ایزدی ۳۷. سرناز سامان دانشی ۳۸. سرناز فردین ابراهیمی ۳۹. سرناز سید محمد موسوی بهرگزان شهید ۴۰. مهندس داوود دیدمان ۴۱. رحیم بسحاق همچنین در بیانیه شماره سه سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز از عموم هموطنان عزیز درخواست شد، نسبت به شایعات، اخبار نادرست و آمارهای غیررسمی منتشر شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، هوشیار باشند. در این بیانیه تاکید شده است که آمار رسمی شهدا، اسامی و اطلاعات تکمیلی، صرفاً از طریق روابط عمومی سپاه امام حسن

سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز در بیانیه شماره سه خود اسامی شهدای حمله ددمنشانه اسرائیل غاصب را به مقرر ستاد اعلام کرده. گزارش روز شنبه روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز در پی حمله ددمنشانه، ناجوانمردانه و جنایت‌کارانه رژیم غاصب و کودک‌کش صهیونیستی در صبح روز دوشنبه، دوم تیرماه، به مقرر ستاد سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز، جمعی از پاسداران سرافراز انقلاب اسلامی، تعدادی از بسیجیان جان‌پرکف، سربازان وظیفه و شماری از مردم بی‌گناه به فیض عظیم و افتخارآمیز شهادت نائل آمدند. بر اساس این بیانیه اسامی شهدای والا مقام، پس از تایید نهایی، به شرح زیر اعلام شد:

۱. سردار سرتیپ پاسدار مجتبی کریمی ۲. حجت الاسلام والمسلمین علی ترکاشوند ۳. پاسدار اکبر عنایتی ۴. پاسدار غلامرضا اوجانی ۵. پاسدار سید مجتبی معین پور ۶. پاسدار ابراهیم نظری ۷. پاسدار رمضانعلی چوپدری ۸. پاسدار سید مهدی سید میرزایی ۹. پاسدار علی عسگری ۱۰. پاسدار مصطفی مرآت ۱۱. پاسدار داوود زندیه ۱۲. پاسدار میثم معمر ۱۳. پاسدار محمد روشندل ۱۴. پاسدار سعید شریفی ۱۵. پاسدار رضا زمان‌زاده نصرآبادی ۱۶. پاسدار محسن

تقدیر از فداکاری آتش‌نشانان در حادثه حمله به مقر سپاه امام حسن مجتبی (ع)

حادثه رقم خورد، سرشار از ایثار، برادری و از خودگذشتگی بود و بی‌شک زحمات این عزیزان، تا همیشه در خاطر ما و مردم قدرشناس شهرستان باقی خواهد ماند.

یساولی تاکید کرد: آتش نشانان فداکار، در همان لحظات اولیه، بدون لحظه‌ای درنگ و با تمام امکانات خود وارد عملیات شدند و با از خودگذشتگی، روزهایی طاقت‌فرسا و پرخطر را پشت سر گذاشتند. تلاش بی‌وقفه آن‌ها برای نجات، ایمن‌سازی و تفحص، جلوه‌ای واقعی از همدلی و عشق به خدمت بود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: افتخار می‌کنیم که چنین مردان غیور و شریفی در سازمان آتش‌نشانی کرج خدمت می‌کنند. زحمات این همدلان سرخ، ستودنی است و ما قدردان تلاش‌های بی‌نظیرشان هستیم.

تعهد و روحیه فداکاری را به نمایش گذاشت. محمد یساولی ضمن قدردانی از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آتش‌نشانان در حادثه تلخ حمله رژیم صهیونیستی به مقر سپاه امام حسن مجتبی (ع) اظهار کرد: آتش‌نشانان قهرمان کرج بار دیگر نشان دادند که در میدان‌های خطر و حادثه، همیشه پیشگام و بی‌ادعا هستند. این عزیزان از همان دقایق نخست وقوع حادثه با سرعت و شجاعت کم‌نظیر در محل حاضر شدند و بی هیچ چشم‌داشتی، جان بر کف در دل خطر قدم گذاشتند و تصویری ماندگار از ایثار و شجاعت آفریدند.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج بیان کرد: آتش‌نشانان ما با تمام وجود، در سخت‌ترین شرایط، ایمن‌سازی و تفحص را آغاز کردند. صحنه‌هایی که در این



رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج با تقدیر از ایثار، جانفشانی و حضور بی‌درنگ آتش‌نشانان در پی حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به مقر سپاه امام حسن مجتبی (ع) گفت: حضور لحظه‌ای و تلاش بی‌وقفه این قهرمانان عرصه ایمنی، بار دیگر جلوه‌ای از غیرت،

ساماندهی چهار هزار هیات مذهبی در البرز

کارشناس تشکلهای دینی اداره کل تبلیغات اسلامی البرز افزود: تاکنون بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ هیات مذهبی برای دریافت حمایت‌های مالی و ارزاق به ادارات تبلیغات اسلامی استان البرز مراجعه کرده‌اند. ناجی افزود: تمهیدات لازم در زمینه حمایت مالی، تامین سوخت و ارزاق مانند گوشت، مرغ، شکر و برنج برای تمام شهرستانهای این استان پیش‌بینی شده است. ناجی بیان کرد: توزیع ارزاق تا روز نهم تیرماه جاری بین هیات‌های مذهبی استان ادامه خواهد داشت.

کارشناس تشکلهای دینی اداره کل تبلیغات اسلامی البرز افزود: تاکنون بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ هیات مذهبی برای دریافت حمایت‌های مالی و ارزاق به ادارات تبلیغات اسلامی استان البرز مراجعه کرده‌اند. ناجی افزود: تمهیدات لازم در زمینه حمایت مالی، تامین سوخت و ارزاق مانند گوشت، مرغ، شکر و برنج برای تمام شهرستانهای این استان پیش‌بینی شده است. ناجی بیان کرد: توزیع ارزاق تا روز نهم تیرماه جاری بین هیات‌های مذهبی استان ادامه خواهد داشت.

کارشناس تشکلهای دینی اداره کل تبلیغات اسلامی البرز از ساماندهی چهار هزار هیات مذهبی برای برگزاری آیین‌های سوگواری و عزاداری ماه‌های محرم و صفر در این استان خبر داد. «یاسر ناجی روز شنبه اظهار کرد: همزمان با آغاز ماه محرم ۲ هزار و ۵۰۰ موکب و ایستگاه صلواتی در سراسر استان البرز برپا شده است. وی گفت: آیین‌های عزاداری و سوگواری دهه اول ماه محرم در ۵۰۰ مسجد و ۴۵۹ حسینیه استان البرز آغاز شده است.

سردار «رضا رستگار» -فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست- از دستگیری متهمین تیراندازی به محیطبان «هومن لرحسنی» در منطقه فاریاب استان کرمان خبر داد و گفت: بر اساس گزارش واصله به مامورین محیط زیست فاریاب در تاریخ ۵ تیرماه، محیط بانان به یک خودروی سواری پژو ۴۰۵ که حامل پنج نفر بوده مشکوک شده و طی عملیات ایست و بازرسی دو نفر از سرنشینان از خودرو پیاده و متواری می شوند. به گفته وی، پس از تعقیب مسافتی، متأسفانه یکی از افراد اقدام به شلیک مستقیم به پای یکی از محیط بانان کرده و سایر افراد نیز متواری می شوند.

وی افزود: در این ماموریت محیط بان لرحسنی از ناحیه پا دچار آسیب ناشی از اصابت گلوله شده و به مراکز درمانی منتقل می شود.



خط و نشان مردم ایران برای فرعون زمان



محمدرضا جعفرملک

مراسم تشییع شهدای اقتدار ایران فقط مرثیه سرایی مردم تهران برای ۶۰ شهید جنگ تحمیلی صهیونی نبود؛ خط و نشانی بود که ملت ایران برای دشمنان صهیونیستی و آمریکایی کشیدند تا پنداند آنان نیز همچون فرعون متکبر غرق خواهند شد. نمی دانم شما هم امروز در سیل جمعیتی که برای بدرقه شهدای اقتدار آمده بودند، حضور داشتید یا نه. اگر حضور داشتید که نیازی به خواندن این گزارش ندارید؛ هر چند صدها خبرنگار و گزارشگر هم نمی توانند شور و احساس مردم همیشه در میدان را آنگونه که هست، به تصویر بکشند. با دوربین های عکاسی و فیلمبرداری فقط می توان گوشه ای از شور و حال جمعیت میلیونی مردم را در بدرقه ۶۰ شهید اقتدار به تصویر کشید. البته امروز مردم، هم برای تجدید پیمان از میدان انقلاب تا میدان آزادی را با حضور خود ثبت کردند و هم رسانه هایی بودند که تلاش کردند تا با گوشی های خود، هر چند قسمتی کوچک از این عظمت تاریخی را به یادگار داشته باشند و در گروه ها و کانال های فضای مجازی بارگذاری کنند.

جای شما خالی بود تا ببینید چگونه زن و مرد با دیدن تابوت های شهدای اقتدار در خیابان آزادی، هم اشک می ریختند و گریه می کردند و هم عکس و فیلم می گرفتند. کافی بود فقط یک ساعت در لابلای جمعیت باشید و ببینید که بعضی از زنان و مردان چگونه با مشت بر سینه می زدند؛ برخی درحالی که اشک می ریختند، هروله کنان به دنبال تابوت ها می دویدند و در نهایت هنگام اذان ظهر به نماز جماعت ایستادند و شهدا را هم بدرقه کردند.

بسیاری مردان، دست همسر و فرزندان خود را گرفته بودند و در این گرمای ۴۰ درجه نوزادان خود را با کالسکه به میدان آورده بودند. برخی هم پدر یا مادر خود را با صندلی چرخدار یا عصا یا خود همراه کرده بودند. حالا تصور کنید خواهران حاضر در این مراسم از ساعت هشت که کاروان شهدا به راه افتاد تا هنگام اذان ظهر، یعنی چهار ساعت، این فاصله پنج کیلومتری را با چادر مشکی و درحالی که کودکی به بغل داشتند یا کالسکه آن ها را هل می دادند، چقدر گرما می کشیدند و فقط از صورت های برافروخته و گونه های قرمز این خواهران در میدان آزادی، این صبر و تحمل را می شد دید.

برخی مردان و زنان درحالی که به نرده های وسط خیابان آزادی تکیه داده یا روی جدول های کنار خیابان ایستاده بودند یا در زیر سایه درختان این خیابان نظاره گر تشییع باشکوه شهدای اقتدار بودند، با دیدن کاروان شهدا، اشک از گونه هایشان جاری می شد؛ برخی دست روی صورت گذاشته و های های گریه می کردند و برخی، هم سینه می زدند و هم اشک می ریختند.

سلام مرا به پسرم برسان

گریه حسرت پیشکسوتان جهاد و شهادت نیز در این مراسم دیدنی بود. این مردان دیروز میدان جهاد و شهادت که از همزمان خود عقب مانده بودند، با دیدن تابوت های شهدای، آهی می کشیدند و گاهی شانه هایشان از شدت گریه به شدت تکان می خورد. پدر سردار شهید محمدرضا بیاتی بر روی بعضی از تابوت های این کاروان نوشته بود «سلام مرا به پسرم برسان». حضور جانبازان نابینا یا قطع نخاع هم گواهی دیگر بر غیبه خوردن آنان بود که چرا از یاران دوران دفاع مقدس جا ماندند.

مردم در طول مسیر از شهدا می خواستند تا در آخرت آنان را شفاعت کنند و هر کسی که می توانست تسبیح، انگشتر، جفیه یا پرچم سه رنگ ایران را حواله خادمان شهدا روی تریلی ها

می کرد تا تبرکی بگیرد. بسیاری از جوانان با تابوت شهدای عکس یادگاری و به قول معروف، سلفی می گرفتند؛ برخی زنان و مردان، با دیدن تابوت ها، سلام نظامی می دادند و بعضی هم با تکان دادن دست های خود گویی با شهدای خداحافظی می کردند. با وجود این که اشک از روی گونه های حاضران نشان از دل های شکسته می داد؛ مردم با مداح مراسم این گونه زبان می گرفتند که «یه عالمه گریه به روضه بدهکارم؛ تا خوب نشه زخم هام، دست بر نمی دارم».

صحبت از گریه و روضه شد. مگر ممکن است ماه محرم و روز دوم عزای سیدالشهدا (ع) باشد و دل های آماده مردم با یادآوری صحنه هایی از شهادت فرماندهان و دانشمندان یا زنان و کودکان ۱۲ روز جنگ تحمیلی اسرائیل به یاد غم و ماتم ارباب بی کفن نیافتد؟ سعید حدادیان که می گفت «امروز مرا به عنوان روضه خوان نبینید» تاکید کرد که «امروز حماسه سرا هستم» و با خواندن شعری در وصف دونالد ترامپ گفت «این شهر چراغ آسمان افروز است؛ ایران حسین بن علی (ع) پیروز است. از حمله ما قوز درآورده ترامپ، تکرار شکست، قوز بالا قوز است».

لایوم کیومک یا اباعبدالله

از سید کمال هاشم زاده، مجری ابتدای برنامه امروز بگیرید که با دیدن تریلی حامل شهدای نوزاد، مصیبت علی اصغر را خواند و اشک و ناله مردم را درآورد تا آن ذاکری که برای طفل شیرخوار امام حسین (ع) زبان به لالایی گرفت. بقیه مداحان نیز هر کدام مصیبت و نوحه ای را مرور کردند. یکی تشییع باشکوه امروز را با روز عاشورا مقایسه کرد که پیکر شهدای کربلا چند روز بر روی زمین داغ نینوا مانده بودند ولی شهدای اقتدار ایران با این عظمت تشییع شدند و آنگاه این شعر را از زبان حضرت زینب (س) زمزمه کرد که «به سمت گودال از خیمه دویدم من؛ شمر جلوتر بود، دیر رسیدم من؛ سر تو دعا بود...» یکی هم این نوحه را خواند که «حسین آقام، همه می رن، تو می مونی برام».

صحنه های عاشورایی امروز که مردم تهران خلق کردند، گواهی دیگر است بر مظلومیت سیدالشهدا (ع) که هر یک از مداحان به شکلی بیان و داغ دل عاشقان حسینی را بیشتر کردند. در واقع این سخن امام حسن مجتبی (ع) به برادرش را یادآور شدند که «لایوم کیومک یا اباعبدالله» ای حسین! هیچ روزی مثل عاشورای تو نیست.

مداحی دیگر از شب سوم محرم گفت که به حضرت رقیه (س) اختصاص دارد و خاطره یکی از دختران شهدا را اینگونه تعریف کرد که این دختر به سراغ لباس پدر می رفت و آستین لباس پدر را به دور گردن خود می انداخت. شاید همه مصیبت های این دهه در مراسم تشییع امروز خوانده شد و مردم گریه کردند و بر سر و سینه زدند. یکی روضه علی اکبر (ع) خواند؛ یکی از قاسم و فرزندان زینب (ع) گفت؛ مداحی دیگر آتش این شعر مولوی را به دل مردم انداخت که «کجائید ای شهدای خدایی؛ بلاجویان دشت کربلایی؛ کجائید ای سبکیان عاشق؛ پرنده تر ز مرغان هوايي...» و یکی هم مصیبت حضرت ابوالفضل (ع) را اینگونه یادآوری کرد که «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد، علمدار نیامد؛ سقای حسین سید و سالار نیامد، علمدار نیامد» و مداحی دیگر این نوحه معروف محمود کریمی را زمزمه کرد و اشک مردم را درآورد که «آب به خیمه نرسید، فدای سرت...»

داغ حاج قاسم و شهید رئیسی تازه شد

چقدر زیبا بود دیدن تابوت های چیده شده روی تریلی هایی که کاروان شهدا را تشکیل می دادند با این شعر پدر آیت الله

بهجت که «بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا، بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا». یکی از دلسوختگان هم در آن میان پس از این که به دوستان شهیدش سفارش کرد که «سلام ما را به امام حسین (ع) برسانید»، این شعر را خواند که «رفیقان می روند نوبت به نوبت، خوش آن روزی که نوبت بر من آید». یکی هم گفت که امروز داغ حاج قاسم و رئیسی تازه شد. شاید همه کسانی که با این ذکر مصیبت ها و مداحی ها در پای تابوت شهدای اقتدار ایران اشک می ریختند و ناله می زدند، به این سفارش امام رضا (ع) عمل می کردند که درباره عزای سیدالشهدا (ع) و ماه محرم فرمود اگر خواستید برای هر چیزی گریه کنید، برای حسین (ع) اشک بریزید. البته قبل از مصیبت و مرثیه سرایی، برخی برای ترامپ و بنیامین نتانیاهو خط و نشان کشیدند و رجزخوانی کردند و بعضی هم بعد از مداحی و عزاداری به اسرائیل و آمریکا «پرداختند».

محمد رسولی این شاعر انقلابی خطاب به ترامپ گفت «الا ای مست لایعقل! تو از ایران چه می دانی/ مشو غره به امروزت که تا فردا نمی مانی. اگر تاریخ می خواندی چنین هذیان نمی گفتی/ چنین پرت و پلا در باره ایران نمی گفتی. نخواهی کرد ایران را اسیر صحنه سازی ها/ مترسان مردم ما را از این دیوانه بازی ها» رسولی آنگاه رئیس جمهور آمریکا را با فرعون مقایسه کرد و گفت «تو هم مانند فرعون، گمان کردی نمی میری/ چرا از قصه اسلاف خود عبرت نمی گیری. اجل در بدن جان تو یک لحظه مردد نیست/ به قبر کارتر و ریگان سری گاهی بزنی بد نیست. گمان بردی که این بار این حکایت فرق خواهد کرد؟ خدا فرعون را یک بار دیگر غرق خواهد کرد».

دارالشفايي تا قیامت برای عارفان و عاشقان

رجزخوانی در ایستگاه های صلواتی نیز برپا بود. مثل «حریفت منم، حریفت منم، منم که اهل ایرانم» رجزخوانی ها کم کم با شعارهای مردم درهم می پیچید و بر سر دشمن فرود می آمد که «حسین حسین شعار ماست؛ شهادت افتخار ماست» یا «ای رهبر آزاده! آماده ایم آماده» یا «این همه لشکر آمده، به عشق رهبر آمده». البته این شعارها با دعا برای سلامتی امام زمان (عج) ادامه یافت و مردم قدردان، کاروان شهدای اقتدار را با سینه زنی و ذکر مصیبت های کاروان حسینی تا میدان آزادی بدرقه کردند تا پیکر هر شهیدی تحویل خانواده شده و در مکانی به خاک سپرده شود که امام خمینی (ره) فرمود «همین تربت پاک شهدای است که تا قیامت، مزار عاشقان و عارفان و دل سوختگان و دارالشفاي آزادگان خواهد بود».

البته شعارهای مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا، مرگ بر وطن فروش خائن و مرگ بر منافق در مسیر خیابان آزادی از زبان مردم نمی افتاد و کوچک و بزرگ با مشت های گره کرده و با به اهتزاز درآوردن پرچم های عزت و استقلال بر دشمنان این مرز و بوم نفرین می فرستادند.

تصاویر شهدا را در هیات ها نصب کنید فرصتی نبود اسامی شهیدانی که امروز مردم تهران آن ها را بدرقه کردند، در طول مراسم گفته شود ولی علاوه بر نام و تصاویر این شهدای که زینت بخش خیابان آزادی بود، یک بار از زبان مجری برنامه، اسامی برخی شهدا اعلام شد و مردم با شنیدن نام هر شهید یک «یا حسین» می گفتند. حدادیان هم از مسئولان هیات ها خواست تا تصاویر و اسامی این شهدای را در این روزها که خیمه حسینی برپا است، بر در و دیوار نصب کنند و بیشتر به یادشان باشند.

مهدی رسولی هم نام چند شهید را در شعر خود اینگونه آورد: دل خود را به دریای حسینی ها زدم امروز؛ به تشییع شهدای عزیزی آمدم امروز

شهیدانی که هر یک دست حق در آستین بودند؛ شهیدانی که هر یک آیه فتحی مبین بودند.

شیاطین آمدند و فرصت دیدار را کشتند؛ دقیقاً مردم کوچه و بازار را کشتند

گواه پست فطرت بودن این قوم جانی شد؛ همان دختر که آن شب خواب بود و آسمانی شد

تماشا کن جهان شور حماسی نیست، احساسی است؛ دل این جمعیت در سوگ طهرانچی و عباسی است

ببین بر دوش مردم، همدلی و همزبانی را؛ سلامی و رشید و باقری و شادمانی را

سرانجام کسی که یار حق شد، غوطه در خون است؛ شهید ایزدی که نام او کابوس صهیون است

برایم آخر این ماجرا روشن چنان روز است؛ که در این جنگ قطعا خون حاجی زاده پیروز است

حالا دشمنان ایران اسلامی بهتر می فهمند که رهبر انقلاب در سومین پیام خود پس از تهاجم رژیم صهیونی چرا گفتند که تسلیم ایران بزرگ و قوی، حرف بزرگتر از دهان رئیس جمهور آمریکا است و مردم ایران در قلب پایتخت ثابت کردند که اتحاد و اتفاق فوق العاده ملت گواهی دیگر بر تسلیم ناپذیری و مبارزه با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی است.

پرونده ای که سنگین تر شد

امروز هفتم تیر بود که در تقویم رسمی به عنوان سالروز شهادت آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران امام خمینی (ره) و انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران نام گرفته و مردم ایران در این روزها یعنی هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر آمریکایی، جنایت های استکبار جهانی را مرور می کنند و آمریکا در این دو هفته چقدر پرونده خود را با حمایت از رژیم صهیونی و شهادت بیش از ۶۰۰ ایرانی سنگین تر کرد و کسانی هم که تا دیروز تصویری دیگر از ترامپ و دولت آمریکا داشتند، فهمیدند که آن ها هیچگاه طرفدار صلح و آزادی مردم ایران و آزادگان جهان نیستند.

«زهرای بختیاری» مدیر کل روابط عمومی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) گفت که تا دهم تیرماه و اتمام عملیات بازگشت حجاج به کشورمان، حدود ۲۰ هزار حاجی با پروازهای هما به کشور مراجعت خواهند کرد. وی گفت: تاکنون ۹۴ عملیات سکتور پروازی انجام شده و ۱۱ هزار و ۱۵۶ نفر از حجاج با پروازهای ایران‌ایر به کشور بازگشته‌اند. این عملیات پروازی تا دهم تیرماه ادامه خواهد داشت و این تعداد به ۱۳۵ سکتور پروازی و جابه‌جایی حدود ۲۰ هزار حاجی افزایش خواهد یافت. روز گذشته ۱۰ پرواز و روز پیش از آن پنج پرواز به مقصد فرودگاه‌های مشهد و بجنورد انجام شد و این عملیات تا دهم تیرماه تداوم خواهد یافت.



نگاهی به کارنامه فیلم‌سازی «ویکتور اریسه»؛

بکوش که در گذشته جانمایی موسیو!

امیداسفندیاری



ویکتور اریسه در ۸۴ سالگی بار دیگر فیلمی را درون فیلم دیگر گنجانده تا از ظرفیت سینما روی پیرنگ بهره ببرد. پس از دیدن «چشمات را ببند» فکر نمی‌کنم که یک فیلم دیده‌ام. عطش نساختن فیلم بلند سینمایی از ۱۹۹۲ گویی چنان مرد چیره‌دست را بی‌تاب کرده است که حالا سه دهه آن طرف‌تر با سه فیلم طرف هستیم. فیلم اول نگاه بدرقه است از میگل گارای. درواقع، آن دومین فیلم بلند اوست که در هوای فیلم‌های ماجراجویانه و کلاسیک نفس می‌کشد. میگل فیلم را بر اساس بازی خولیو آرناس در نقش فرانک نوشته است. موسیو فرانک کهنه‌مبارزی که علیه ژنرال فرانکو شوریده و گویی شکست خورده است، حالا در نقش منجی موسیو لوی باید مأموریتی خانوادگی را برای او انجام دهد. اینچنین فیلم اول از یک ملاقات می‌آید. ملاقاتی در میانه یک ناکجاآباد. فیلم را میگل گارای به اتمام نمی‌رساند. بازیگر موسیو فرانک در اثنای انجام مأموریت فیلمی‌اش و در هفته‌های پایانی فیلم‌برداری گم می‌شود تا فیلم هیچ‌وقت به اکران نرسد.

ملاقات دوم بیست سال پس از سکناس قلعه میان میگل و مارتا صورت می‌گیرد. میگل راش‌ها و حق پخش تمام ماجرای فیلم ناتمامش را به مارتا واگذار می‌کند تا موضوع برنامه‌های تلویزیونی پیرامون پرورده‌های حل‌نشده باشد. فیلم دوم درواقع به دو تکه تبدیل می‌شود. بخشی از آن ماهیتی در مدیومی دیگر دارد. از تلویزیون شروع می‌شود و نهایتاً به اکران خصوصی در سالن متروکه سینما ختم می‌شود. دست بر قضا نقش اصلی با یک نفر است. کالبد خولیو چنان مجسمه ابتدای فیلم در اختیار دو چهره یعنی موسیو فرانک و گارل قرار می‌گیرد. کسی نمی‌داند در تمام این سال‌ها چه بر سر فرانک، خولیو و گارل آمده‌است. آن‌ها به کدام تاریخ و جغرافیا تعلق دارند. آنچه از نظرها پنهان مانده پیرنگ تنهایی است در ناکجاآباد. ناکجاآبادی که ته ندارد و برای آن کائناتی بنا شده است که زوال را برنمی‌تابند. البته بنا بر اذعان حلقه آدم‌هایی که در واپسین روزهای فیلم‌برداری با خولیو همراه بوده‌اند سرگشتگی او مشهود بوده است. همین اندک نشانه‌ها راه را برای تفسیرهای بی‌پایان خبرنگاران و سایرین باز نگه می‌دارد. آدم‌هایی که طاق‌ت ادامه زندگی را ندارند لاجرم دست به دامن پناهی می‌شوند. خولیو آرناس خود را از آن قماش می‌داند. وضعیت خولیو به‌سان همان آدم‌ها است که طاقشان سرآمده، که از جبر زمانه به سوی زوال گراییده‌اند و از استیصال جانشان به لب رسیده است. خولیو حالا که جایی در واپسین سال‌های میان‌سالی قرار دارد باید ره به وادی امنی ببرد. سرشت خولیو بر دوستانش آشکار است اما کسی از مأمور او برای گریز از این واپس‌زدگی خبری ندارد. خولیو پناهگاهش را یافته و مسیر جدیدش را ساخته است. تصمیم از معبر سینما می‌گذرد. شاید هویت جدیدی باید برگزید، اما مشکل حافظه است. حافظه‌ای که انبان خاطرات است و در مبدأ و مقصد گریزی از آماج لحظه‌های بیش‌رکم ثبت شده‌اش نیست. وقتی پای سینما در میان است، زندگی در خلاء زیر سایه همذات‌پنداری با هویتی برساخته می‌تواند انتخاب شایسته‌ای باشد. سال‌ها کسی پی نخواهد برد که چه تصمیم بجایی و ای‌پسا زیبایی برای خلاصی از سیلان حافظه و برای رهایی از خاطرات برگزیده شده است. خولیو از گذشته‌اش به یک لحظه برساخته از فیلم نگاه بدرقه پناه می‌برد و گستره همان لحظه خاص را به

ایده فیلم چشمات را ببند از هویت عاشقان سینما وام گرفته است. همان‌هایی که با لحظه‌هایی از دل فیلم‌ها زندگی‌شان را می‌سازند. سینه‌فیل‌هایی که از تصویر، هویت می‌تراشند و با سینما مراقبه می‌کنند. آدم‌هایی که در گذشته جا مانده‌اند و همانجا با فیلم‌ها، لحظه‌ها و شخصیت‌ها یکه و همذات گشته‌اند. درواقع، جاودانگی هبای متقابل از دو طرف است. اینگونه فیلم با داشته‌هایش، از دل گذشته سر می‌رسد. گذشته‌ای حساس و مرموز با خروارها سؤال بی‌جواب. آن حساسیت ایجاب می‌کند با گذشته به دور از ناملایماتش برخورد شود. از این‌روی «چشمات را ببند» آرام و با طمأنینه آغاز می‌شود؛ از نمای قلعه‌ای متروک اما زیبا در پایین ۱۹۴۷ میلادی. نام قلعه Triste Le Roy است. اندکی جلوتر پی می‌بریم که آن نام برداشت شخصی موسیو لوی صاحب قلعه بوده از یک داستان، عبارتی به‌معنای شاه غمگین. موضوع از علاقه موسیو لوی به شطرنج می‌آید، گویی لوی و خدمتکارش آخرین بازمانده‌های قلعه هستند. کارگردان در همان ابتدای فیلم از استعاره شطرنج استفاده می‌کند تا مخاطبش را آماده رمزگشایی از سلسله‌حوادثی معماگون نماید. اتفاقات نیمه نخست فیلم دقیقاً بدین‌سان جلو می‌رود، چرا که پس از سکناس قلعه شاه غمگین تصویر روی موسیو فرانک ثابت (فریز) می‌شود. صدای روی تصویر حقایقی را برملا می‌کند. کاشف به‌عمل می‌آید که بازی خورده‌ایم. آنچه شاهدش بودیم خودش فیلمی درون فیلم بوده است. گویا روی محور زمانی نه در سال ۱۹۴۷ که در سال ۱۹۹۰ هستیم و بالتبع موسیو فرانک نیز بازیگری بوده به نام خولیو آرناس که به شکل ناگهانی در واقعیت گم شده است. پس از این سکناس ابعاد زمانی مجدداً تغییر می‌کند. جغرافیای فیلم نیز عوض می‌شود. مقصد بعدی‌مان مادرید در سال ۲۰۱۲ میلادی است.

ویکتور اریسه گزیده‌کار بعد از سال‌ها دوری بازگشته است تا از سینما بگوید. می‌خواهد هویت یک فیلم نیمه‌تمام را دوباره از نو بسازد. اریسه از همان ابتدا سبک و تمهید فیلم جدید خویش را برملا می‌کند. نمای دوم فیلم از مجسمه‌ای تشکیل شده است که روی یک سر، دو صورت پشت به پشت هم قرار گرفته‌اند. دقیقاً وسط کادر و پس از آن نمای نزدیکی از همان مجسمه دو صورت. دو چهره در قالب یک کالبد. این بطن اصلی قصه است. قصه‌ای که از یک ملاقات شروع می‌شود. سپس ملاقات بعدی و بعد همین‌طور ماجرا ادامه می‌یابد تا دیدار نهایی. به‌ظاهر ساده اما از درون پیچیده. سازه پیش‌رو از همان محتوای ابتدایی فیلم تبعیت می‌کند. موشکافی در فرم راه به تمهید سبکی کارگردان اصلی فیلم می‌برد: روایت ویکتور اریسه از دو بطن اصلی قصه‌اش. در فیلم سوژه‌ها عمدتاً در مرکز قاب جای گرفته‌اند. سپس نمای دوم به سوژه اصلی آن سکناس نزدیک‌تر شده و احتمالاً یک گره از گره‌های کور باز می‌شود. اما این تمام ماجرا نیست.

ترکیب‌بندی کادرها به‌میانجی بازی نور و سایه‌ها زیبایی رازآلودی را متبادر می‌کند. القای احساسات منبث از نگاه شخصیت‌های فیلم متأثر از منابع نوری مختلف است. بازی نور و سایه روی چهره شخصیت‌ها در ظاهر ساده اما مؤید پیچیدگی قاب‌ها است. و بدین صورت تصویر روبه‌رویمان به نقاشی طعنه می‌زند.

با همه متانت و احترامش برای وی آهنگ موردعلاقه میگل را به یاد نمی‌آورد و چه آنجا که کتاب تقدیم‌شده از طرف میگل را رها کرده است. پیشرفت صنعت سینما مکس را هم آچمز کرده است. از سینما برای او تنها یک انبار پر از راش‌های فیلم‌ها، آپارات و دو پوستر روی دیوار باقی مانده است. پوستر فیلم «آن‌ها در شب زندگی می‌کنند»، فیلم نوآر نیکلاس ری. فیلمی اقتباسی که از دوره رکود بزرگ می‌آید. فیلمی بر پایه فرار و اغوا. در ملاقات میگل با مکس متوجه می‌شویم پوستر فیلم نیکلاس ری جایگزین فاوست شده است؛ و این چه انتخاب زیرکانه‌ای از سوی اریسه است برای توازن قدرت در پیشبرد داستان از طریق دیالوگ‌ها و میزانشن. متناظر با پوستر یادشده پوستر فیلم «موسیو وردو» هم روی دیوار نصب شده است. «موسیو وردو» چارلی چاپلین، فیلمی از سال‌های واپسین حضور در سینما که بی‌ارتباط با حواشی پیرامون خولیو در زمان فیلم‌برداری نیست. اقتضائات توسعه صنعتی سینما مکس را هم از دور خارج کرده است. آنجا که ویدئو پروژکتورها جای آپارات را گرفته‌اند دیگر زمانه آدم‌هایی نظیر مکس نیست. حالا آن انباری پر از نگاتیو فیلم‌ها درون هاردهای کوچک آرشیو می‌شوند. لاجرم مکس هم به‌سان دوست کارگردانش و حتی راحت‌تر ولو غم‌انگیزتر از او پذیرفته دوره‌اش به‌سر آمده است. فیلم نهایی و سوم اما فیلم ویکتور اریسه است. برهم‌نمایی تیتراژ پایانی فیلم نظیر آغاز، پایانی است برای دو فیلم دیگر. همه آنچه از آن سخن رفت در قلمرو فیلم جدید ویکتور اریسه گام برمی‌دارند. اریسه با «چشمات را ببند» ثابت کرد که هنوز می‌تواند فیلم‌ها را، شخصیت‌ها را و گذشته را فراخواند. او وجهی از سال‌ها فیلم نساختن را درون آدم‌های فیلم جدیدش دمیده تا گذشته و حال را به هم پیوند بزند. همانطور که آنا ترنت بازیگر نقش آنا دختر خولیو را از فیلم «روح کندوی عسل» به دیدار خولیو می‌آورد تا گذشته را به رخ دگرگونی‌های کنونی سینما بکشد. دست آخر آنچه نقطه‌عطف پیرنگ فیلم می‌شود به میانجی راش‌های آرشیو شده مکس تحقق می‌یابد؛ و آن لحظه‌ای است که بازیگران از فیلم جدا می‌شوند و چشم در چشم دوربین، با آن نگاه نافذ و سکوت ما را خطاب قرار می‌دهند. به هر روی، اگرچه «چشم‌هایت را ببند» از دهشت پیری وام می‌گیرد اما اریسه نشان داده نبوغ و اشتیاقش به سینما نظیر گذشته ساری و جاری است.

آینده می‌کشاند. او آینده را پس می‌زند و در هیبت مأمور یافتن دختر گم‌شده موسیو لوی، پای برهنه بی‌هیچ داشته‌ای از جهانی که به آن تعلق داشته است، در همان گذشته می‌ماند. تنها دارایی خولیو نشانه‌هایی از ماهیت مأموریت فرانک است. نشانه‌هایی در کنار همان مهره شطرنج، همان که شاه غمگین لوی بوده است. خولیو احتمالاً با لوی هم‌نظر است. در نبرد با حریفی چون گدر دوران، استراتژی پیروزی وجود ندارد. نبرد باید آنقدر ادامه داشته باشد تا نوبت به تنهایی شاه روی صفحه بازی برسد. هرچند خولیو پیری و زوال را برنمی‌تابد و برای رهایی از غم از دست رفتن جوانی راه گریزی می‌یابد، اما آدم‌های دیگر «چشمات را ببند» چاره‌ای جز تسلیم‌شدن در برابر سرنوشت ندارند. منطقاً انتخاب عاقلانه با آن‌ها بوده است اما موقعیت کنونی میگل و همکاری مکس حکایت از انفعال در برابر زوال دارد. میگل و مکس همچنان خولیو در تنهایی خویش سال‌های پیری را سپری می‌کنند درحالی‌که تنهایی آن‌ها تفاوتی اساسی دارد. آن‌ها همه‌چیز را در این سال‌ها باخته‌اند. میگل پس از ماجراهای فیلم ناتمامش، کارگردانی را کنار گذاشته و صرفاً از طریق نوشتن با سینما و ادبیات ارتباط دارد. میگل تنها زندگی می‌کند، با سکس و چند تن از همسایه‌ها، در نقطه‌ای دورتر از پایتخت کنار دریا. دریا همان وجه اشتراک و پیوند میگل با خولیو از شروع تا به حالا محسوب می‌شود. اگر رنج دوران خولیو را فراری داد، میگل را در مرز فرار و قرار نگه داشته است. او حالا نه فیلم‌ساز شناخته‌شده زمان است و نه آنقدر گمنام و ناشناخته است که کسی او را به یاد نیاورد. او هر لحظه در انتظار از دست دادن است؛ مثل زندگی لحظه اکنون بی‌ثبات. شاید با رفتن بیش از سایرین خو گرفته؛ لذا سیالیت به‌نحوه زندگی‌اش سرایت کرده است. از اینکه خانه‌اش را جابجا کنند بیمی ندارد. او پیش‌ترها پسرش را از دست داده، دوستانش و دارایی معنویش. لولا، عشقی ماندگار از ایام گذشته را دیگر ندارد. لولا و سینما، میراث مشترک میگل با خولیو از ایام جوانی محسوب می‌شوند. در ملاقات با لولا میگل از خولیو فاصله می‌گیرد و در موضع سایرین می‌ایستد تا فاصله را با لولا به نفع خودش کمتر کند اما گویی هنوز هم خولیو دست بالاتر را دارد. دست‌برقضا از طریق ملاقات با لولا است که می‌فهمد یادش از منظر دیگران غبار گرفته و دور از دسترس اذهان ایستاده است. چه آنجا که لولا

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱۰/۴۳/۰۳/ف آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۴۷/ج/۱۴۰۴)



شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد ۲۰۰ دستگاه فلومتر التراسونیک ثابت به همراه دیتالاگرا از محل منابع داخلی شرکت و از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای از مناقصه گران واجد شرایط خریداری نماید.

مدت تحویل کالا، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مدت تحویل کالا ۴ (چهار) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت یکی از تضامین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹-هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ می باشد.

نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ تا ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰۴۷ اقدام نمایند. تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۱

مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل های PDF در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸، موظف به ارائه اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده و نیز یک دستگاه فلومتر مطابق موارد مندرج در اسناد تا پایان ساعت اداری همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند.

تاریخ بازگشایی پاکات: پاکت ارزیابی کیفی: ساعت ۱۲ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ خواهد بود. پاکات پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. شناسه: ۱۹۵۴۸۸۶-۲۵۱۳۵/۰۱ شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱۰/۴۳/۰۳/ف آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۵۱/م/۱۴۰۴)



شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اجرای عملیات شناسایی، جمع آوری و تبدیل انشعابات غیرمجاز آب و فاضلاب به مجاز در مناطق تحت پوشش امور آبفا شهرستان فردیس و اداره آبفا مشکین دشت از محل منابع داخلی شرکت را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

مدت اجرای پروژه، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مدت اجرای کار ۱۲ (دوازده) ماه شمسی و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱/۷۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت یکی از تضامین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹-هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ می باشد.

نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰۵۱ اقدام نمایند.

تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۲

مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل های PDF در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱، موظف به ارائه اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۰ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند. تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۱:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است % شناسه: ۱۹۵۴۹۲۸-۰۱ شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

آگهی موضوع تشکیل پرونده ثبتی المثنی

سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین بمساحت ۲۰۰۰ مترمربع قطعه ۶ تفکیکی پلاک ثبتی ۵۶۶ فرعی از ۱۶۸ اصلی مفروز از ۲ فرعی از ۱۶۸ اصلی ذیل ثبت ۸۱۸۱۸۱ صفحات ۱۵۶ دفتر ۲۰۳۱ بنام آقای عشق علی ملکی ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده با توجه به اعلام فقدان پرونده ثبتی از جانب بایگان مربوطه برابر بند ۳۳۳ و ۳۳۲ مجموعه بخشنامه های ثبتی مراتب طی شماره ۱۴۰۳۸۵۶۳۱۰۱۱۰۲۵۷۰۸ مورخه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ به دفاتر اسناد تابعه بخشنامه شده است رسمی فلذا بموجب این آگهی مراتب به اطلاع عموم میرساند که چنانچه اعتراضی نسبت به تشکیل پرونده المثنی داشته باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم اعتراض این اداره به وظیفه قانونی خود عمل می نماید. ۱۹۵۶۰۴۰

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مریم چیت ساز قمی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است به علت سهل انگاری اصل سند مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین که در آن یک باب خانه احداث شده به مساحت ۲۵۰ مترمربع قطعه ۱۵۵ تفکیکی به شماره ۵۴۳۳ فرعی از ۱۶۱ از اصلی مفروز از پلاک ۳۳۱۴ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج مورد ثبت ۴۶۲۷۹۹ صفحه ۱۴۴ جلد ۱۳۸۹ املاک به نام علی پوستین دوز ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۱۴۲۳۲۵ صادر گردید و برابر سند قطعی شماره ۹۵۷۱۳ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ دفترخانه ۱ کرج به خانم مریم چیت ساز قمی منتقل شد لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۵۵۸۰۱

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سعید صالح پور باستناد وکالتنامه ۴۸۴۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۵ دفتر ۱۴۱ کرج از طرف محمد احتشامی راد ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۸۴.۱۵ مترمربع قطعه ۵ تفکیکی به شماره ۲۹۹۸۱ فرعی از ۱۷۰ اصلی مفروز از پلاک ۲۷۱۴ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج ذیل صفحه ۴۱ دفتر ۴۷۰ و شماره ثبت ۵۳۳۴۷ ناحیه ۴ کرج به شماره چاپی ۳۰۲۶۶۸ مفقود گردیده و طی سند رهنی ۱۸۶۷۵ مورخ ۹۵/۲/۸ دفتر ۱۳۱ کرج در رهن بانک ملت می باشد و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۵۵۷۸۸

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

آگهی انتشار اخطار افراز

خواهان:

خانم سیده سوده عظیمی فرزند سید قدیر به آدرس: شاهین ویلا ۲۲ بهمن جنوبی پلاک ۵۱ خوانده:

آقای احمد صمیمی فرزند علی به آدرس: فاز ۴ مهرشهر خیابان ۵۰۶ غربی پلاک ۶۱ واحد ۴ با عنایت به اینکه خانم سیده سوده عظیمی احدی از مالکین مشاعی پلاک ثبتی ۵۱۰۵۷ فرعی ۱۷۰ اصلی به موجب درخواست شماره ۷۵۶۵۷ دستور مورخه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ تقاضای افراز سهمی خود را از این اداره نموده و روز سه شنبه مورخه ۳۱ تیر ۱۴۰۴ ساعت ۱۰ برای بازدید از محل وقوع ملک تعیین گردیده لذا مراتب تعیین گردیده لذا با عنایت به مراتب فوق و در اجرای ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی اسناد رسمی لازم الاجرا اخطار افراز یک نوبت در روزنامه رسمی جهت ابلاغ آگهی می گردد تا خواهان و خواندگان در تاریخ مذکور در این اداره یا در محل وقوع ملک جهت بازدید از محل حضور و در صورت عدم حضور مخاطبین این اداره وفق مقررات به وظیفه قانونی خود عمل می نماید. ۱۹۵۵۷۵۷

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

تیم پیاترا جای خالی ندارد

آرش عبدی

با توجه به عملکرد بازیکنان جوان تیم ملی والیبال در لیگ ملت‌ها، بازگشت بازیکنانی همچون سید محمد موسوی و میلاد عبادی پور به این تیم تا حدود زیادی منتفی است. با توجه به کسب سومین برد متوالی تیم ملی والیبال در لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ که شب گذشته مقابل تیم آرژانتین رقم خورد، به نظر می‌رسد والیبال ایران قرار است پس از سال‌ها روزهای درخشانی را تجربه کند. روبرتو پیاترا، مربی مطرح ایتالیایی، در همین مدت کوتاه که هدایت این تیم را بر عهده گرفته، توانسته افکار خود را در این تیم پیاده کند و مشخص است که اعتماد بازیکنانش را به دست آورده است؛ نکته‌ای که در سال‌های اخیر و حتی زمانی که آلکسو سرمربی تیم ملی بود، جای خالی‌اش در این تیم احساس می‌شد.

در کنار نتایج فنی، روحیه تیمی، انسجام تاکتیکی و افزایش اعتماد به نفس بازیکنان نیز به وضوح مشهود است. حرکات ترکیبی و استفاده هوشمندانه از بازیکنان جوان، از جمله راهکارهایی بوده که پیاترا برای ایجاد تحول در تیم ملی اتخاذ کرده است.

قطعا در ادامه راه، با توجه به بیشتر شدن شناخت او از والیبال ایران و البته توانایی‌های فنی، ذهنی و روانی بازیکنان، او می‌تواند تیمی بسازد که بار دیگر در جمع ۱۰ تیم برتر دنیا در رنکینگ جهانی قرار بگیرد. هرچند هنوز زود است عملکرد مربی ایتالیایی را تنها بر اساس نتایج تیم ملی در ۶ بازی تیم ملی در لیگ ملت‌ها قضاوت کرد، اما نشانه‌ها امیدوارکننده است.

یکی از ابهاماتی که در زمان اعلام لیست اولیه پیاترا به وجود آمده بود، عدم حضور سیدمحمد موسوی و میلاد عبادی پور بود. در ابتدا تصور می‌شد که این دو ستاره باتجربه قرار است در رقابت‌های مهم‌تری مانند قهرمانی جهان به ترکیب تیم ملی بازگردند؛ اما درخشش جوانانی همچون عیسی ناصری، پویا خازنده، محمد ولی‌زاده، مرتضی شریفی، امیرحسین اسفندیار و حتی یوسف کاظمی، باعث شد بازگشت موسوی و عبادی پور به ترکیب اصلی تا حدود زیادی غیرقابل تصور باشد. از طرفی جو آرام، حرفه‌ای و بدون حاشیه این تیم در مدتی که پیاترا سرمربیگری آن را بر عهده گرفته، می‌تواند این پیام را داشته باشد که این مربی به بازیکنان کارآمد، باتجربه و البته بی‌حاشیه علاقه دارد و شاکله تیمش در رویدادهای آینده نیز بر همین اساس شکل خواهد گرفت؛ موضوعی که می‌تواند به ثبات و پیشرفت بیشتر والیبال ایران منجر شود.



پایان کار برانکو در تیم ملی فوتبال چین

تیم ملی فوتبال چین با هدایت برانکو ایوانکوویچ نتوانست جواز حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را کسب کند. سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران و پرسپولیس از سال ۲۰۲۴ به عنوان جانشین الکساندر یانکوویچ هدایت تیم ملی چین را بر عهده گرفته بود. این سرمربی ۷۱ ساله کروات در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ مجموعاً ۱۴ بار روی نیمکت تیم ملی چین قرار گرفت و آمار چهار پیروزی، ۲ تساوی و هشت شکست را به ثبت رساند. فدراسیون فوتبال چین با صدور بیانیهای اعلام کرد که دوران فعالیت برانکو ایوانکوویچ به عنوان سرمربی تیم ملی این کشور به پایان رسیده است. دژان جورجویچ که در جام ملت‌های زیر ۲۰ سال آسیا در شترن هدایت تیم ملی چین را بر عهده داشت، به عنوان سرمربی موقت جایگزین برانکوویچ شده است.



دنیایک سوادار

یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۲

گزارش

در مراسم وداع با شهدای مظلوم حمله صهیونیستی؛

جامعه ورزش پرشور حاضر شد



احمدی دنیامالی، وزیر ورزش و معاونان وزارت ورزش و مدیران کل ستادی در این مراسم حضور داشتند. دنیامالی در این مراسم گفت: نقش مقام رهبری همواره بی‌بدیل بوده و ایشان از آسیب‌دیدگان ترور هستند. دستورات ایشان برای ما ضمن اینکه یک سری دستورات حکومتی است برای ما دستور شرعی و تقلیدی است.

حضور مدیرعامل پرسپولیس در مراسم تشییع پیکر شهدای اقتدار

همچنین در آیین تشییع پیکر شهدای اقتدار ملی، رضا درویش مدیر عامل باشگاه پرسپولیس حضور داشت و گفت: دنیا متوجه خواهد شد که فقط یک کشور وجود دارد که احاد مردمش، فارغ از هر عقیده و دین و مذهب، تنها ایران برای آن‌ها اهمیت دارد و همه مردم در صحنه حضور دارند.

حضور رئیس فدراسیون فوتبال در مراسم تشییع پیکر شهدای اقتدار

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال نیز در این

جامعه ورزش در مراسم وداع با شهدای مظلوم حمله رژیم صهیونیستی حضور پرشوری از خود نشان داد. در پی حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی در ایران اسلامی که منجر به شهادت جمعی از فرماندهان مقاومت، دانشمندان هسته‌ای، زنان، کودکان و غیرنظامیان بی‌دفاع شد، از صبح گذشته مراسم باشکوه تشییع پیکرهای مطهر این شهدای مظلوم با حضور گسترده و پرشور مردم در میدان انقلاب در حال برگزاری است. در این مراسم، جمعی از مسئولان، ورزشکاران، قهرمانان ملی و بانوان پیشکسوت ورزش کشور حضور یافتند. فربیا محمدیان، معاون توسعه ورزش بانوان وزارت ورزش و جوانان، پروین کرملو و وجیهه نقوی، مدیران کل معاونت توسعه ورزش بانوان و نواب رئیس بانوان فدراسیون‌های ورزشی در کنار دیگر بانوان قهرمانان ورزشی و چهره‌های نام‌آشنای ورزش زنان ایران، با چشمانی اشکبار، در کنار مردم داغدار به بدرقه پیکرهای شهدا پرداختند.

حضور وزیر ورزش و جوانان در مراسم تشییع پیکر شهدای اقتدار کشور

سنگین‌ترین قرارداد تاریخ؛ رونالدو در خواب هم ۲۵ میلیارد می‌گیرد!

قراردادهای تاریخ فوتبال است. رونالدو که بحث‌های فراوانی پیرامون تمدید قرارداد او با النصر یا جدایی‌اش به گوش می‌رسید، با امضای قرارداد جدید، تا ۴۲ سالگی فوتبال خود را در لیگ عربستان دنبال خواهد کرد. این یعنی ستاره پرتغالی حداقل تا دو سال آینده قصد خداحافظی از فوتبال را نخواهد داشت. کاپیتان تیم ملی پرتغال در قرارداد سال نخست خود با النصر، ۲۰۶ میلیون یورو به عنوان دستمزد پایه و خالص دریافت خواهد کرد. همچنین ۱۵ درصد از سهام باشگاه النصر که معادل ۳۸ میلیون یورو است به او تعلق خواهد گرفت. اگر رونالدو آقای گل لیگ عربستان شود هم بالغ بر ۴ میلیون یورو پاداش می‌گیرد و در صورت کسب جام نیز این مبلغ به ۹ میلیون یورو افزایش پیدا می‌کند. این قرارداد فارغ از دستمزد ۱۶ کارمندی است که باشگاه النصر برای رونالدو استخدام خواهد کرد.



کریستیانو رونالدو قرارداد خود را به مدت دو فصل دیگر با النصر تمدید کرد. در توافق جدید، ستاره پرتغالی به ازای هر روز ۷۰ میلیارد تومان درآمد خواهد داشت.

چند روز قبل بود که باشگاه النصر از توافق جدید خود را کریستیانو رونالدو پرده برداشت؛ توافقی نیم میلیارد یورویی برای دو فصل که یکی از بزرگ‌ترین

کدام کشورها طولانی‌ترین غیبت در جام جهانی را دارند؟

آسیا

اندونزی از سال ۱۹۳۸ در جام جهانی بازی نکرده و حالا در پلی‌آف است. عراق تنها یک بار در سال ۱۹۸۶ در جام جهانی مکزیک و امارات نیز تنها یک بار در سال ۱۹۹۰ در ایتالیا در جام جهانی بازی کرده است و این کشورها بیشترین سال‌های غیبت در جام جهانی را دارند.

کونکاکاف

تیم‌هایی مانند کوبا از سال ۱۹۳۸، السالوادور از سال ۱۹۸۲، هائیتی از سال ۱۹۷۴ و جامائیکا از سال ۱۹۹۸ فرانسه در جام جهانی نبودند و امیدوارند پس از سال‌ها در جام جهانی حضور داشته باشند.

مسابقات انتخابی در آمریکای جنوبی در آستان پایان یافتن است و سه تیم به دنبال بازگشت به جام جهانی‌اند. پاراگوئه از جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی در جام جهانی نبوده و می‌خواهد بعد از سال‌ها در این رقابت‌ها حضور داشته باشد. شیلی پس از آخرین حضورش در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل باید مدت بیشتری صبر کند و حذف شده است ولی بولیوی هنوز رویای حضور در جام جهانی را دارد. رومانی، بلغارستان و اسکاتلند نیز از سال ۱۹۹۸ در جام جهانی نبوده‌اند و ایتالیا از سال ۲۰۱۴ مهم‌ترین غایب دو دوره اخیر جام جهانی بوده است و حالا می‌خواهد هر طور شده این بار با هدایت گتوزو در جام جهانی حاضر باشد.

نروژ در بین کشورهایی است که می‌خواهد بعد از سال‌ها دوباره حضور در جام جهانی را تجربه کند. ارلینگ هالند یکی از بهترین بازیکنان جهان می‌خواهد همراه نروژ در جام جهانی حضور داشته باشد و برتری برابر ایتالیا و استونی که اتفاقاً با گل‌های ارلینگ هالند همراه بود، این کشور را بیش از پیش به جام جهانی نزدیک کرده است. وایکینگ‌ها از سال ۱۹۹۸ در بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان بازی نکرده‌اند و یکی از تیم‌هایی هستند که سال‌ها در حسرت رسیدن به جام جهانی بودند. غیر از نروژ کشورهای دیگر را بررسی می‌کنیم که می‌توانند بعد از سال‌ها در جام جهانی حضور داشته باشند.

تیم‌های رایفاخته به جام جهانی ۲۰۲۶

کانادا، آمریکا، مکزیک، ژاپن، ازبکستان، ایران، کره جنوبی، اردن، آرژانتین، برزیل، نیوزیلند و اکوادور حضورشان در جام جهانی را قطعی کرده‌اند.

دوباره ناکامی؟

تیم ملی فوتبال ایتالیا انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ در قاره اروپا را ناامیدکننده آغاز کرد و در دیدار نخستش با سه گل برابر نروژ شکست خورد البته در دیدار بعدی برابر مولداوی توانست با دو گل به پیروزی برسد و کارش برای رسیدن به جام جهانی سخت شده است.



■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری ■ سردبیر: مهدی تیموری

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری ■ صفحه آرا: امیر بیات

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ ■ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ ■ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۴۲

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



اصحاب آخر الزمانی سیدالشهداء

یادبود فرماندهان شهید نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در جریان اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونی به کشورمان در خرداد و تیر ۱۴۰۴ به شهادت رسیدند
یاد شهیدان گران قدر حوادث اخیر را گرامی میدارم؛ سرداران شهید، دانشمندان شهید که حقاً و انصافاً ارزشمند بودند برای
جمهوری اسلامی و خدمت کردند و امروز در پیشگاه پروردگار، پاداش خدمات برجسته‌ی خودشان را دریافت میکنند ان شاء الله.